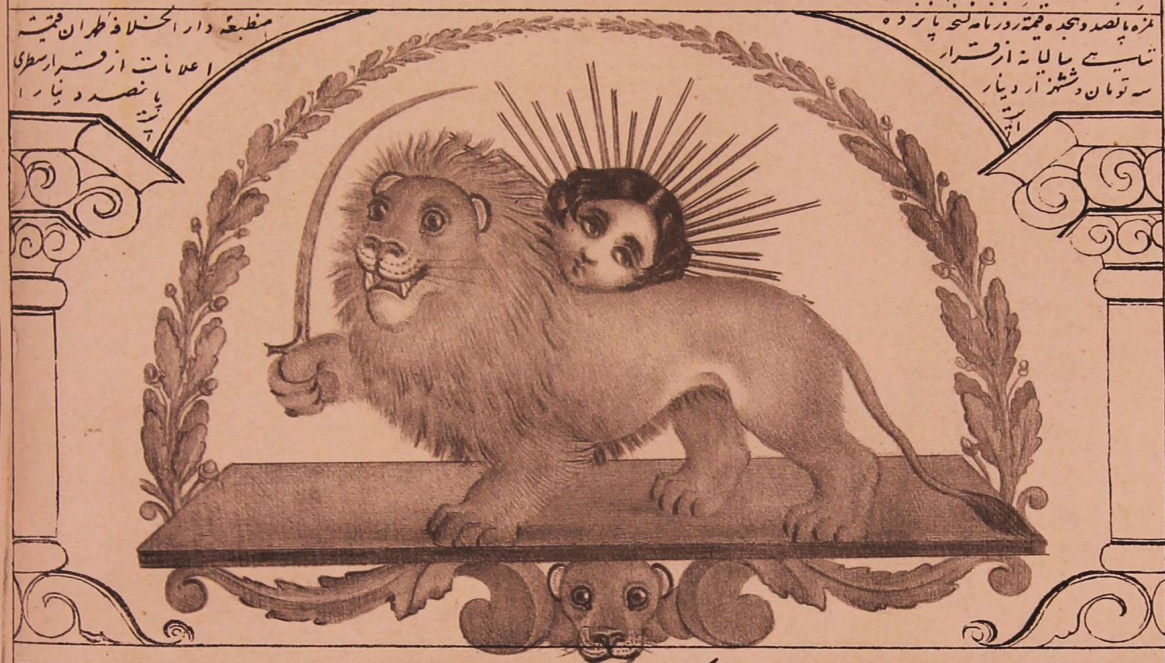


روزنامه دولت علیّه ایران

پنجمین جشن شب شوال المکرم مطابق پالانیت سال ۱۲۷۸



آخبار ممالک محروپه

از تفضلات نامتناهی الهی وجود پیغمبر همام علی حضرت ظل الهی و لیسنت کل ممالک محروپه ایران قرین صحت و عافیت و همواره اوقات فرخنده ساعات مبارک را بتبلیغ و تزیین لک و لک مشرف و مضر و مفید میدارند این اوقات که ماه مبارک رمضان بود و بجهت ادا روزه روزگار کمتر سواری میفرمودند و شبها را هم شب جمیع چاکران درباری در در خانه مبارک حاضر بودند و هر یک بخدمت مقرر اشتغال میبودند و نسبت به یک فرمایشی بود و احضار حضور مبارک میفمودند یا هر یک از چاکران را عرضی بود شرفیاب شده عرضی معروض میداشتند و شب پنجم ماه که تخیل پال فرخنده فال بود نظر باینکه در شب پنجم ساعت از شب گذشته تخیل پال بود بقاعده سیرت سابقه که اغلب از چاکران درباری در پیرون سلام حاضر شده می ایستادند و موجب رحمت صدقی بود و مجلس تخیل را در تالاری وسیع مقرر فرمودند علی عظام و وزیران و شاهزادگان و نوابان سلطنت دارکان اعیان دولت اشخاصیکه شایسته بزم حضور بودند احضار فرموده در میان تالار انظار و مجلس تخیل را بطوری خوب و خوش مقرر داشتند و نسبت به یک از علما گرام و شاهزادگان و وزیران عظام تطلقات و تفضلات ملوکانه فرموده بعد از تخیل پال میمون به یک از باریافتگان حضور همایون شاهی اشرافی رحمت فرموده عرض نمودند که چون تا دو سه روز بعد از ایام ولیدلی مستبر که قتل و اجابا بود سلام روز را موقوف فرموده روز و زیمت و چهارم قرآن فرمودند

لا تعلقه بوجهی که در این روزها

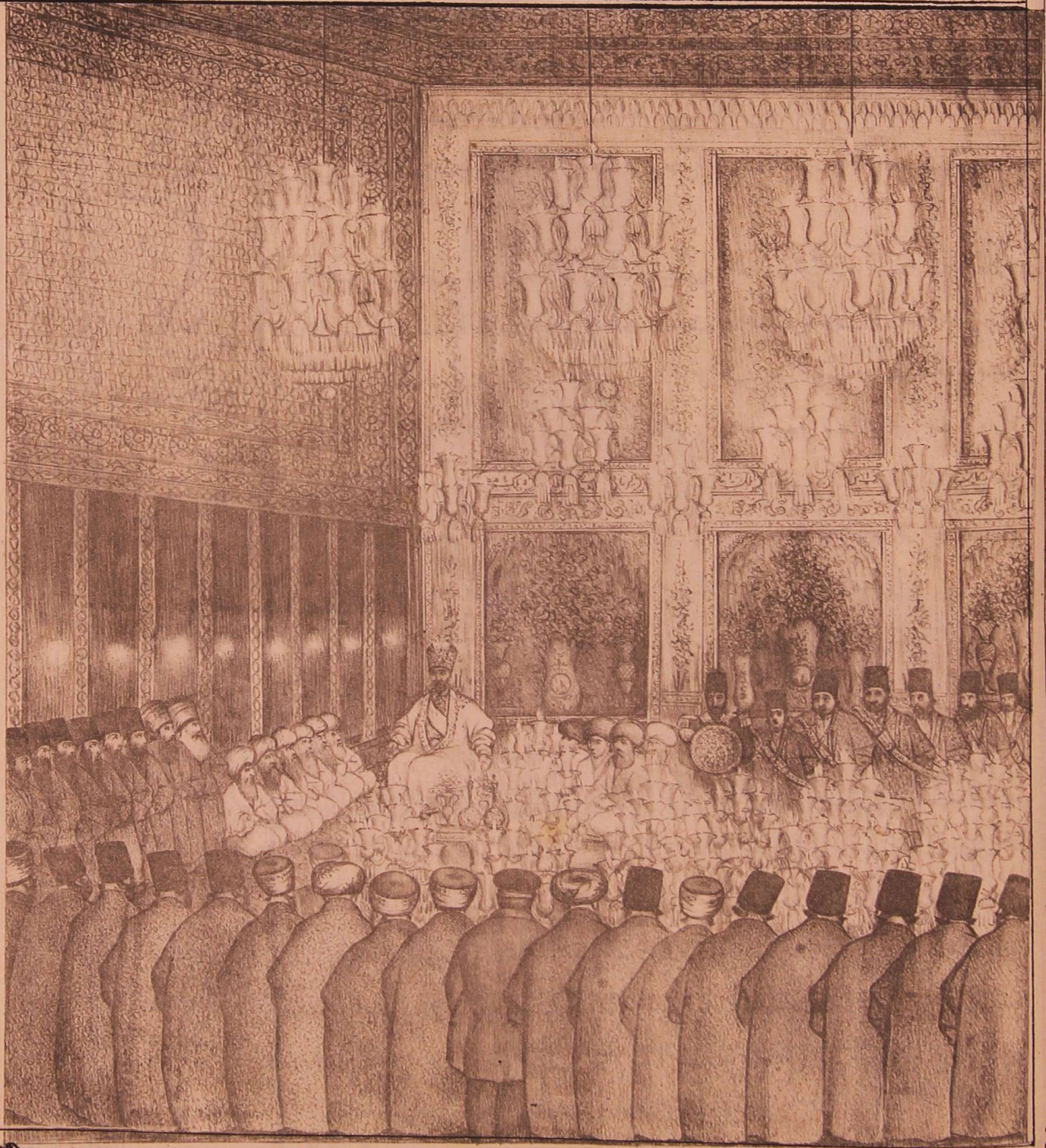
مجلس سلام تحویل

عصر عصمت در خلوت مخصوص سلطنتی جلوس فرموده اشخاصی که از چاکران درباری هم پیاله

در سلام تحویل حاضر میشدند و اشرفی و شاه از دست مبارک میگرفتند

باز دست دپسته حاضر شده از دست مبارک شاه

و اشرفی گرفتند و میگرفتند



وقایع در کجک و آلبانیه در ماه مبارک رجب و جمادی الاول

شاهزاده حسام السلطنه الی فراسان که برای استمرار مدارا مور پشید جدید سرحدات فراسان از جانب پستی الجانبت کازان
احصا بر کاب مبارک شده بود و ارد شده شرفیاب حضور همایون گردید و مورد شمول نوازشات خدیوانه آمد و در
سال جدید نیز در حضور همایون مورد انواع تفضلات و الطاف خسروی گشت . شاهزاده جتاهم الله و له حاکم صفا
که احصا بر کاب مبارک شده در شب تخیل قبل از انقضاء مجلس تخیل وارد شده در مجلس تخیل از درک شرف حضور همایون
مفتخر گردید و مورد الطاف و اشفاق ملوکانه گردید

چون میرزا محمد حسین پسر الملک از عهد انجام خدمات خود بطور خوب و خوش آمد و از طرز خدمات خود خاطر مر مطهر
همایون را راضی ساخته حسرتش متقاضی محنتی آمد پس با اعطای کیوث فرقه ابره و تره بطایع پنجاب قرین مغا فرست
گردید

میرزا محمد حسین عضد الملک متولیباشی سرکار فیض آباد امام شمس علی بن موسی الرضا علیه السنته و آله که بحسب بسته حاجی
احصا بر کاب مبارک شده بود در روز قبل از عید نوروز وارد شده در سلام تخیل نیز شرف اندوز حضور همایون گردید
مورد لطفات ملوکانه گردید و یک حلقه انگشتری بسیار زینت آفرین از او اعطای گشت از حضور همایون که از انبساط نظر انور همایون
زاید الوصف مطبوع و مستحسن فاد . علاء الله و له محمد رحیم خان لنگی باشی که بسفارت دولت عثمانی مأمور شده بود در
تفیس معاودت نموده در قلیس مأمورین و کارکران آنجا در پذیرایی و تشریفات او بنحویکه لازم بین الله و التمسین است
معمول داشته در عشاء اسطاه مبارک وارد دار الحکله آلبانیه شده شرفیاب حضور آفتاب طور مبارک شاهنشاهی
گردید و نظر محسن خدشیکه از او در تقدیم مأموریت خودش بطور پشید و بود مورد شمول مرحاسم خسروانه گردید .

حینان شهاب الملک که مأمور نظم عربستان شده بود در عهده مأموریت خودش بطور خوب و شایسته برآمد بود و در
شرف اندوز حضور مر طهور همایون گردید و مورد الطاف همایون گردید . پارسیال از قراریکه در روزنا نجیب
نکارش یافت در دار الحکله بلکه در سپر بلاد مالک محروسه بجهت کمالی پشید ارسال کرانی و فحلی بود خاصه در ماه مبارک
رمضان که در دار الحکله زیاد شدت است و مردم آسوده نبودند لکن بجهت التمتع الازمین اقبال دولت پسر
و از توجهات و مراقبات کامله و محضه طریقه و لیسنت کل مالک محروسه پسر ایران آن غرضت پسر گشته اسامیل
سال گذشته جمع امتحانات و از هر قبل با کولات از حیوانی و عسیره در تمام ولایات سیما در دار الحکله نهایت فراوان
دارزانی دارد و کالین و بازارها محمول از نعمت است نازاک در سال گذشته از کشتار یکم تبریز و هزار دین رده
هزار دینا خسریاری میگردد و بدست نمی آمد اسامیل بصد دینار پشیده است و نهایت آسایش و آراش میکند
و از توجهات کامل ادلیامی دولت علیه کمال اجنت هم در ولایت و نواحی حاصل است و مردم با فراغ خاطر بجای

دوام دولت ابد مدار اشتغال دارند

وزارت امور ایران

چون عیسی خان پیکر بیگ و حاکم گان در مراتب خدمت مراسم صداقت و کار دانی خود را طاهر ساخته مورد قبول مرحوم شاهنشاهی
و نظیر کارم فلکانه آمد به شریف کیو شب خیز تر از کشمیری بر ماتبه سرافزای اقطاعش افزود

صورت پیکر بیگ



تقدیر خدا را بخدا و الهی

نظر بانگ میرزا محمد حسن ی محب باشی و خیم الملک دقیقه از ذوق اوقات شب زوری خود را صرف کرده مگر در طریق خدمتگذاری
دولت آسمان شوکت تو جهات آفتاب آیات بمانین اعحضرت ظل الله سائمتا و لیسنت کل ممالک محمد پسند ایران خلد
الله ملکه و سلطان این اوقات مساحت افزوز آماش کردیده مبلغ پانصد تومان بر مواجب سابق او اصنا و فخر نمودند
و با عطای مبلغ دولت تومان نقد برسیم انعام بر مدارج اگر امشرا افزودند و چون حاجی میرزا محمد رضای شوشی
خراسان در این سفر که بجهت تفریح می سپست آسمان مبارک خدا نظران آند بود بکمال خویشی از غنچه برآمده و کتایب معاصرا
حساب صادر کرده و نیز حسب الامر قدر دستور العمل آتیه ایت یل خراپساز بر دست نوشت مورد قبول مرحوم شاهنشاهی

تقدیر و قیام در آنجا

خاطر انصاف مایونی شده منصب نعل استیفای دیوان مایون سپه از مبلغ چهار صد تومان نقد و پنجاه هزار جنس بر بوی
محمد نظر خان سپه کرده غلام پیشینست نخراسانی که بجهت آوردن غلامان جمعی خود از کاب مایون مخص و روانه خراسان
شده بود ایرها و قات باد و است نغز از غلام و غلام شخمندان خراسانی جمعی خود آورده شد و چون در روز پس حضور مایون
سوار مزبور از جهت کمال آراستگی و خوبی داشت و مشارالیه در خوبی اسب و یراق و سپاه اسلحه آنها کمال دقت و استقامت
بود پسند آمدات او در خاک میبارک بدرج و صبح و ظهور رسیده محض الطاف مولا کازموازی یکتوب جبهه ترند
کرمانی بر سپه خلعت در باره مشارالیه مرحمت کردید و کمال سرافرازی

حاصل نمود

صورت محمد نظر خان



یتیم و یتیم در ایام و ایام و ایام

در روزهای قبل نوشته شده بود که حسب الامر مقرر گردیده است صیغ الملک نقاشی خاصه کارخانه با همه
 تصویر و نقاشی در دولتی ترتیب داده در آنجا پردای کار اسپادان مشور را بعضی از باسپه‌های معتبر که از
 زودی عمل اسادان معتبر کشیده و طبع نموده اند باسپه‌ها را باسباب و ادو صناع یک کتب خانه نقاشی بطوریکه در زنگستان
 دیده بوده است و اسباب لازمه آنرا حسب الحکم با خود آورده است ترتیب داده بطوریکه هر کس طالب آموختن
 این صفت باشد بجهت نقی در اسپاس تحصیلش نباشد بلکه سایر صاحب صنعا هم در هر طرح و هر کار که محتاج بنونه و امتیاز
 سلیقه باشد معطل نباشد و همچنین کارخانه باسپه تصویر را مبادل نماید که همه روزه نقاشی و مختلف از کارخانه
 بیرون آید و این صنایع را در اوج کامل میدهند در یمت مشغول انجام این خدمت بوده در ارک سلطانیه در جنب
 دیو بخش بسیار که نقاشی و کارخانه را ترتیب داده است بخو که در کارخانه باسپه چهار چرخ در کار است
 و بعلاوه خدمت طبع روزنامه‌ها و احکامات دولتی طبع باسپه نقاشی و در اچان نماز نموده است که هر کس
 طالب چاپ نمودن شیخ خوری محلی باشد بفاصله چند روز بکیز از صورت او در کاغذهای ضخیم طبع میگرد که
 نهایت امتیاز داشته باشد و ترتیب نقاشی از اینست که چیزی دره که خود مشا را لیه در سفر
 ایت یا از زودی عمل اسپاد مشور را فایل کشیده و از صحت جمع اسپادان گذرانیده بود در آنجا
 نصب نموده و از باسپه و صورت‌های کج و سایر کارهایی که از زودی عمل می‌کایل در فایل
 و امتیاز و سایر اسپادان که اسامی آنها در کتاب آموختن علم نقاشی ذکر شده
 است کشیده و چاپ نموده اند نصب نموده از هر قسلی اسباب و آلات کار را
 در آنجا فراهم آورده و ترتیب با تمام است و بعد از این که
 ایام رمضان المبارک منقضی شد تا بنیاد اعلان خواهد نمود
 که جو انان قابل در ایام هفته در آنجا جمع شده و
 مشغول تحصیل باشند و هفتگی که در هضم خود
 مشا را لیه مشغول تعلیم خواهد بود و هفتگی
 در روزم در آنجا استراری خواهد شد که مردم
 چه تماشی آنجا نمانند و باشند این
 اول نقاشی و کارخانه باسپه تصویر است
 که در ولت ایراج بسیار معمول و
 مداول میگرد در بطور و طرز
 زنگستان

در روز

و توبه از با حقان

در روز

چون این اوقات خوشی بسیار مرفه در میان اطفال دار الحسلاف بر دگر کرده است نیز حسین ذکر سببی اشراع نموده است که بجهت این
مرض اشنع کلی دار و در مجرب است هر کس نایل باشد در خانه خود او که در محدث چاییدن در همپا یکی خانه مخوم که خدا شریف
واقع است رفته است بیاع نماید

از قرار یک روز زمانه آرزو با چنان نوشته اند مجد الله تعالی وجود ابدت نمود ثابت نهاد مظهر الدین میرزا صاحب اختیار
آنمکت در کمال صحت و مسرت مشغول انجام خدمات دیوان قدر آیت و تحصیل دعای ذات اقدس همایون علی حضرت ظل است
شامنت هلد استر مکه و سلطان پناشد همه روزه طرف عصر بدرسه نظامی رفت تحصیل آداب نظامی اشتغال میوزر زنده
در شب و روز سیزدهم شهر ربیع که عید مولود جناب لایسآب امیرالمؤمنین صلوات الله و پیغام عید بود در تبریز نیز مجالس جشن
و سپه و انصاف و یا فیه فرق العاده بوازم تنبیت پرداخته بودند. و سر در کل در لوازم محکمتهاری شرایط کفایت و کار بر
بطور میرسانند. و از جمله در اوقاتیکه مشا را لیه بر کتی افواج مراغه با بختند و در رفته بود یکفر تا جسد فحش نام ترا جید
شکایت کرده بود که چشتر من دست درازی کرده چون فحش در آن اوان متواری و پیمان بود سپه در کل برو حق مصلحت از
عرض عارض اعراض کرده و عتقا نموده بود لکن در ضمیمه چند نفر را کاشته اظهار امید اشتد تا آنکه فحش از عدم نبات
مقری الیه پیخته شده پرونده بود و پین الی پس کرد و شش غنچه آدر اگر فیه بخور آورده بودند و بکلمت نهادند و عظم بزماری
اعمال خود رسانند. و عذرا خانه مبارکه که تبریز همه روزه مشغول ساختن و اسحاق تفنگ که نمونه آن از دربار معدله
انفاذ یافته است چاشند که انشا الله تعالی بزودی در حویله از غده بر آیند. و حسناف قورخانه آنجا نیز یکروز از آنجا
شعلت بخود غفلت ندارند. و سپه عد الملک نیز در امور سپاهی آنمکت از شونجانه و قورخانه و عنسیره کمال دقت و کار
آکامیه بطور میرسانند. و چند نفر از اشعار و الواط در محال آنکو پیشکوت ساخته و بر وقت اموال و اذیت
ساکین و متره دین انصافت پر دخت بودند سردار کل و نوبت جمعی را کاشته بگرفتاری آنها روانه داشته بود
از قرار یک نوشته بودند اگر چه سنوز آنها دیگر نشد و لکن عبدالکریم اسپکونی که سر آمد آن بخت بر کشتان بود و کله تفنگ
کشته گشته است و باقی ستاری و متواری شده اند خانهاشان را در ایران و بسیاری از مال مردم جسم پیدا شده است
و سپه در کل گرفتاری آنها را انصاف العین امت خدمتگذاری دانسته تصدق و ششند

انزبیل از قرار یک روز زمانه همای آنجا نوشته بود خدا میرزاده شاه نیز میرزا سرحد در انزلی مراتب کار و دانی
در نگاهاری نوکر و رعیت متوقف و ساغلا آنجا بطور میرسانند. و اجناس و استع از اطراف و جواب محل و نقل
سرحد مینابند و همگی سلامت وارد شده است. و بجهت تعمیر اطاق فرقه آنجا چوبستی قرار داده و جمعی اساده

تتمیم دارالکرام

وقتی که بر آن وقتان چون

شاگرد کار بر آن ایستاده بود و در چوب بست را شکستی دارد و آمده با پستاد و کار کرد و بختی بود که از تفصیلات سخانی آنچه

دار دنیا آورده است

پیرق شیر و خورشید و تلی در زرد زیت و مهم شکر رجب المرجب از قرار دستر العمل ناصر الملک با نهایت احترام برده در بالای تو حینا مبارک که آنجا نصب کرده شرایط سنیت بجا آورده بودند. روز شنبه هشتم شهر شعبان المعظم که شایخ میرزا از خارج از نیل داخل میگردید در اواخر سپهر خاتمه را از فرزندش در کار موصوف مشهوره نمود و بجهت انظار آتش بهسران خود چون سیل روان شد و فوق الطاقه سعی بجای آورده آتش را خاموش کرده بودند و نوشته بودند که اگر اهتمام مشارالیه نمیشد آتش پستداد با دجائباتی اطراف کنجی آب و خاک چوب و فی کار شده بود و مرایت کرده بود چوب

خاست کلی میگردید

از دستار یک در روزنامه کرمان نوشته بودند امور آن ولایت با نهایت انتظام مخردن و انالی الصفحات در کمال فراغت بدعی و دوام دولت روز افزون اشتغال دارند و بجهت آتالی بارز کیهای بسیار در آنجا شاد شده جمع جوبات ماکولات تنبای فرادانی دارز ایستاد دارد. از خواص مصنوعات الیه نوشته بودند که چشمه در کوک جاری است که در قسمت ذرع مخط و منان چشمه است و آبش را برزاعت میزند در صحت یک در یک از آن بالا می بخورند بر روی آن راه میسوان رفت در روز دیگر با زو نوشته همان چشمه عین است وکیل الملک در حین عبور از آنجا بر سر یک چشمه و صفحات بلوچستان آن چشمه را خود برای العین دیده و از ریش سفیدان آنجا آلی شنیده بود که مردم این زمین که مانی تقریب یکصد و پنجاه ذرع و لیسان انداخته چون عین چشمه معلوم میشد چشم از تقوی در آن پوشیده بود. و در برون فوج و ثوبان صفحات چون از روی کوک شکل بود دستار داده اند که فوج زکنت و فوج اول کرمانی از طرفشان و هنر و در راه متعارف نسبت به حرکت نمایند پس از ورود وکیل الملک و تو جان و افواج از طرفین هم ارک و قورخانه و انبار و غیره آنجا که با تمام سپید میخان لایبیم در ما شیر با تمام رسیده بود با اتفاق سرتیپ و سرگرد و یار افواج و ثوبان باز دیده کرده و تحسین و فوازشی که لازم بود در باره سید علیخان بجا آورده بودند. و از قراریک نوشته بودند امور صفحات بلوچستان و سایر مجال کرمان تسیرین کمال انتظام است و مردم آسوده بدعی بعتی ذات کثیر البرکات همایون اعحضرت ظل الله شاهنشاه و لیغنت کل ممالک محروسه ایران شوند. خوانین بلوچستان با نهایت امیدواری بخدمتگذاری اشتغال دارند. وکیل الملک در تکریم خادمان دولت و شرف خاندان مملکت

پسای موفوره و مجاهد مشکوره بطور

میر سپاه

اخبار ممالک گت خارج

از مندر پس انگلیس میرام نام در روزنامه انگلیس اعلان نموده است که من دیکی بجه کشتی بخارا اختراع میکنم که کوچکتر از دیک مخصوص کشتیهای بخار بوده با نصف ذغال مصرفی میسر نموده و اصلا در سرعت حرکتش تو فیری نمیکند زمین سائره این ادعای او را عمل بر مصلحت و هیانات کرده محل اعتنا نمودند و مندر پس زبوره در ادعای خود صراحت و باسید یک امتیاز مخصوص شروع بکار نمودند و یک ادعای دیگر با بنام رسانیده در یکی از کشتیهای کپانی هند برآید تجربه و امتحان بکار برده و روانه اسپکنز رتیه نموده و دو نفر مندرس لاجل المعاینه همراه گردیده و الی اسپکنز رتیه رفت در روز ساعات معینه مثل سپید پور و اپور رسیدند و مراجعت بلندن کرده مندرسین با امور مصبصه مصارف رخت و تعداد ساعات حرکت کشتی را از خروج لندن الی ورودش بو زبرجری انگلیس داده در ملاحظه با دقت ادعای مخترع ثبوت رسیده و ذغال صرف شده با بنا صفت منزل کرده و در ملاحظه مشخص نموده اند که بجهت این اختراع اجزای رخت ذغال با بنا صفت منزل نماید چندین میون در یکال تقاوت سوخت ذغال خواهد نمود و این اختراع موجب اشباع زیاد خواهد بود لهذا امتیاز مخصوص بمندر پس زبوره مقرر گردید که ای واپور بمبان طور معمول کرده اند

و باین اختراع جدید صاحبان واپور

بسی خوشحالی کرده اند

دولت اسپانیول موافق قانون معتبره هر سال چهل و پنجاه باره با فتره از جوانان هم پس صحت خود داخل سلک نمک خود می نمایند از قراریکه مسطور است بکلاف دول سائره که در صد دکترون توشون خود و اصلاح امور متعلقه با ایالات میباشند

در روزنامه یارین مسطور است بنا بر عادت مقرره قدیمی در پاریس که اول پال با طفال اقوام هر کس فراخ خود چینی میدهد و بطایفه سنوا جنبی شیرینی که انبا عطا میکند و باین مخارج خارج العاده در سنه دو بیت میون که عبارت از نیت کرده تومان باشد خرج شده بود اما سال مخارج اول سال نو یک ثلث علاوه

بر پال گذشته شده بود و بعضی صحتها در خصوص شده است این مخارج را

کیفوع بار کردن مردم و از جمله اسرافات عملهای

پشورانه شده

اند

۲
بجه کشتی

اسپانیول

فراوان